

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۵ جولای ۲۰۱۵

جشن سر کشیدن جام زهر هسته‌ای در ایران!

سرانجام سیدعلی خامنه‌ای سردمدار حکومت اسلامی ایران، همانند سردمدار سابق این حکومت، یعنی روح‌الله خمینی جام زهر هسته‌ای را سر کشید و به همین دلیل، برگزاری جشن و سروری هر چند کاذب، برای بخشی از جامعه فراهم شده است. بنابراین، اکنون جامعه ما، جشن سر کشیدن جام زهر توسط خامنه‌ای را در پیش دارد!

توافقی که امروز سه‌شنبه بیست و سوم تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۴ برابر با چهاردهم جولای ۲۰۱۵، بین نمایندگان حکومت اسلامی ایران و گروه ۵+۱۱ در وین صورت گرفت تا حدودی توجیهاات و بهانه‌ها را از دست سران و مقامات حکومت اسلامی می‌گیرند تا آن‌ها نتوانند همه کمبودها و معضلات و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه مانند تورم و گرانی، فقر و فلاکت اقتصادی، بیکاری و غیره را به عوامل خارجی نسبت دهند. به علاوه این توافق نه بر سر منافع مردم ایران، بلکه برای حفظ حاکمیت‌شان صورت گرفته است. اکنون این حکومت جانی در مقابل سوالات عدیده‌ای، به ویژه این سوال قرار گرفته است که چرا و به چه دلیل این مذاکرات را در طول ده سال گذشته کش دادید و جامعه ایران را به این همه مصیبت و فلاکت اقتصادی و اجتماعی دچار کردید؟

حکومت اسلامی ایران در سال‌های اخیر، به ویژه در یک دهه گذشته، دستیابی به انرژی اتمی را به یک مسأله حیثیتی و البته امنیتی در برابر غرب تبدیل کرده و غرب نیز همواره ایران را به حرکت به سمت بهره‌برداری نظامی از انرژی اتمی متهم ساخته است. بنابراین، در این بازی خطرناک حکومت اسلامی و رقبایش، بازنده اصلی مردم ایران هستند و بعد از این نیز خواهند بود. مگر این که مردم آزاده و ستم‌دیده ایران، موازنه و معادله سیاسی و اجتماعی کنونی به نفع خودشان کنونی را بر هم بزنند و سرنوشت خود و جامعه‌شان را مستقیماً به دست خویش گیرند.

در طول مذاکرات که از ۱۴ مهرماه [میزان] ۱۳۸۲ آغاز شد، جامعه ایران تا به امروز هزینه‌های سنگینی را در راه فعالیت‌های هسته‌ای حکومت اسلامی حقوق پرداخته کرده است. در حالی که سران و مقامات حکومت اسلامی، بدون توجه به وضعیت مردم، و با بی‌اعتنائی به آژانس انرژی اتمی و سازمان ملل متحد فعالیت‌های هسته‌ای را پیگیری کرده و اکنون در مقابل رقبایش زانو زده است.

در ماجرای مناقشه حکومت اسلامی با جامعه بین‌الملل بر سر برنامه هسته‌ای از سال ۲۰۰۶ و با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد تا تابستان ۲۰۱۰ اعضای شورای امنیت سازمان ملل به ترتیب ۴ قطعنامه تحریمی (۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹) علیه ایران به تصویب رسانده و مفاد آن را اجرائی کرده‌اند. همچنین برخی کشورها از جمله ایالات متحده

امریکا، کانادا، جاپان، کوریای جنوبی و اتحادیه اروپا به صورت جداگانه تحریم‌هایی را به دلیل فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی تصویب و به اجراء گذاشته‌اند.

در این کشمکش و رویارویی، حکومت اسلامی پروژه اتمی را به یک پروژه محرمانه تبدیل کرده و رسانه‌ها از پرداختن به آن منع شده‌اند. غرب نیز در سوی دیگر بازی با تبلیغ نزدیک‌شدن ایران به بمب اتمی، تحریم گسترده‌ای علیه ایران وضع کرده است. اما آیا واقعاً این‌گونه بوده است که دو سوی این پرونده روایت کرده‌اند؟ قطعاً نه!

حال چند ماه است که حکومت اسلامی ایران و گروه ۱+۵، هر دو پذیرفته‌اند که به یک توافق جدید دست یابند. اما هنوز هم شهروندان ایران و افکار عمومی مردم جهان به معنای واقعی نمی‌دانند که حکومت اسلامی ایران در این توافق چه به دست آورده و چه از دست داده است. اما هنگامی که به زیست و زندگی و روزگار خود و اطرافیانش نگاه می‌کنند تا عمق وجودشان می‌سوزند و به عمق فاجعه پی می‌برند. در حالی که به گفته فیروزآبادی رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح حکومت اسلامی، چه توافق حاصل بشود و یا نشود ما جشن خواهیم گرفت؟! روشن است که او چنین نظری داشته باشد. آن‌ها از محاصره اقتصادی به نفع خودشان بهره‌برداری کردند و اکنون نیز با لغو تحریم‌ها نیز باز هم بهره‌برداری خواهند کرد. پس تعجبی ندارد که آن‌ها در هر دو حالت جشن بگیرند. حسن روحانی این توافق را «تسلیم شدن غرب و شرق در برابر ایران» می‌داند، اما جناح سیاسی مخالف او در ایران، تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را به «وادادگی» و «عقب‌نشینی» متهم می‌کند. این سخنان و موضع‌گیری‌های سران و مقامات حکومت اسلامی، همه دروغ و عوام‌فریبی است.

محمود احمدی‌نژاد، در طول هشت سال ریاست جمهوری‌اش با حمایت رهبرشان خامنه‌ای، قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران را کاغذ پاره نامیده و همه سران و مقامات ریز و درشت حکومت، همواره عربده می‌کشیدند که این تحریم‌ها، تأثیری در جامعه ایران ندارد. البته از یک نظر درست می‌گفتند چرا که این تحریم‌ها، نه تنها ضرری به آن‌ها وارد نکرده است، بلکه بر عکس بر اثر این تحریم‌ها، در اثر فساد اقتصادی و رانت‌خواری و رشوه‌خواری در تمام ارگان‌های حکومت اسلامی و عوامل آن‌ها، ثروت‌های کلانی به جیب زده‌اند.

همچنین نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران، «تعلیق غنی‌سازی» را «خط قرمز جمهوری اسلامی» عنوان کرده بود مجدداً طی اظهاراتی با گفتن این که «برخی گروه‌ها به دنبال ورود به خطوط قرمز هستند» به صورت تلویحی دولت حسن روحانی را تهدید به برخورد کرده بود. سیاست‌ها و عملکردهای احمدی‌نژاد، از حمایت‌های خامنه‌ای و سپاه پاسداران برخوردار بود.

حجت الاسلام علی سعیدی در فروردن ماه [حمل] ۱۳۹۳، در جمع مسئولان نمایندگی آیت‌الله خامنه‌ای در بسیج گفت: «در شرایط حساس و پیچیده‌ای به سر می‌بریم که در این شرایط بیش‌ترین مسؤلیت متوجه سپاه و به ویژه بسیج است. برخی گروه‌ها به دنبال ورود به خطوط قرمز هستند که طبیعتاً نیروهای ارزشی و متدینین جامعه تحمل نخواهند کرد.» او همچنین اضافه کرد: «عده‌ای تلاش دارند فضای جامعه را دوقطبی کنند که الحمدالله همواره با درایت و روشنگری مقام معظم رهبری، جامعه از چند یا دوقطبی شدن دور شده است.»

علی سعیدی پیش از این نیز در اظهاراتی مشابه در آبان ماه [عقرب] سال ۹۲ گفته بود: «تعلیق هسته‌ای معنا ندارد و برای جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات خط قرمز بوده و اصل ما اصل غنی‌سازی برای اهداف صلح‌آمیز است.» چند روز پیش و کمتر از یک هفته مانده به پایان ضرب‌الاجل ایران و گروه ۱+۵ برای توافق نهایی، خامنه‌ای بار دیگر «خط قرمزهای ایران» در این مذاکرات را برشمرد و اعلام کرد و گفت لغو تحریم‌های غرب «نباید به اجرای تعهدات ایران منوط شود.»

به گزارش وبسایت خامنه‌ای، او روز سه‌شنبه دوم تیر [سرطان] ۱۳۹۴، در جمع مدیران ارشد حکومت اسلامی، گفت: «لغو تحریم‌ها نباید به اجرای تعهدات ایران منوط شود، نگویند شما تعهدات را انجام دهید بعد آژانس گواهی دهد تا تحریم‌ها لغو شود ما این مسأله را مطلقاً قبول نداریم.»

خامنه‌ای تأکید کرد: «تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی چه مربوط به شورای امنیت، چه کنگره آمریکا و چه دولت آمریکا باید فوراً هنگام امضای موافقت‌نامه لغو و بقیه تحریم‌ها هم در فواصل معقول برداشته شود.» او با بیان این که «اجرائیات لغو تحریم‌ها نیز باید با اجرائیات تعهدات ایران متناظر باشد»، افزود: «ما با موکول کردن اجرای تعهدات طرف مقابل به گزارش آژانس، مخالفیم چون آژانس بارها و بارها ثابت کرده مستقل و عادل نیست بنابراین ما به آن بدبین هستیم.»

خامنه‌ای تأکید کرد: «می‌گویند آژانس باید اطمینان پیدا کند، این چه حرف نامعقولی است چگونه اطمینان پیدا کند مگر این که وجب به وجب این سرزمین را بازرسی کند.»

او با اشاره به دیگر خط قرمزهای ایران در مذاکرات اتمی گفت: «ما خلاف اصرار امریکائی‌ها محدودیت‌های بلند مدت ۱۰، ۱۲ ساله را قبول نداریم و مقدار سال‌های مورد قبول محدودیت را به آن‌ها گفته‌ایم.»

خبرگزاری رویترز روز ۲۸ خرداد به نقل از مقام‌های ایرانی و غربی گزارش داده بود که با وجود اختلافات موجود، به نظر می‌آید احتمال دستیابی دو طرف به توافق جامع و نهایی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی به مدت دستکم ۱۰ سال، در ازای تسهیل در تحریم‌ها علیه ایران، افزایش یافته است.

خامنه‌ای اضافه کرد: «امریکائی‌ها درباره تحریم‌ها یک فرمول پیچیده، چند لایه و عجیب و غریب مطرح می‌کنند که معلوم نیست از آن، چه چیزی در می‌آید اما ما صریحاً مطالب‌مان را می‌گوئیم.»

او همچنین بار دیگر اعلام کرد: «بازرسی‌های غیر متعارف، پرس‌وجو از شخصیت‌های ایران و بازرسی از مراکز نظامی» را از دیگر «خطوط قرمز هسته‌ای» ایران اعلام کرد.

در ماه‌های گذشته مسأله دسترسی به مراکز نظامی ایران بر اساس پروتکل الحاقی در پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای معروف به ان‌پی‌تی و همچنین مصاحبه با دانشمندان هسته‌ای ایران برای حل «مسائل باقی‌مانده» بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به موجی از رویارویی‌ها بین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و مخالفان آنها در ایران منجر شده است. خامنه‌ای تأکید کرده است که ایران اجازه بازرسی از مراکز نظامی را نمی‌دهد، اما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مقامات امریکائی و فرانسه خاطر نشان ساخته‌اند که توافق هسته‌ای نهایی با ایران باید امکان بازدید از مراکز نظامی آن را هم فراهم آورد.

مجلس شورای اسلامی نیز با وجود مخالفت دولت، جزئیات طرح موسوم به طرح «الزام دولت به حفظ دستاوردهای هسته‌ای» را تصویب کرد.

بر اساس مصوبه نمایندگان مجلس، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «در چارچوب توافق‌نامه پادمان مجاز به انجام نظارت‌های متعارف» از سایت‌های هسته‌ای ایران است.

در صورت تصویب نهایی این طرح در عین حال، «دسترسی به اماکن نظامی، امنیتی و حساس غیرهسته‌ای، اسناد و دانشمندان ممنوع است و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود.»

خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان خود اظهار داشت که آنچه در جلسات عمومی می‌گوید «عیناً» همان مسائلی است که در جلسات خصوصی به رئیس جمهوری و دیگر مسؤولان ذی‌ربط می‌گوید.

او اضافه کرد: «بنابراین این خط تبلیغی غیر صحیح که از برخی خطوط قرمز رسمی در جلسات خصوصی صرف‌نظر شده است، خلاف واقع و دروغ است.»

خامنه‌ای با بیان این که تیم مذاکره ایران «انصافاً با شجاعت، مواضع را بیان و دنبال می‌کند» در عین حال گفت که «البته آن‌ها ممکن است در تشخیص و عمل خطا کنند اما متدین و غیر هستند.»

او در ادامه تأکید کرد که با انتقاد از تیم مذاکره‌کننده اتمی ایران مخالف نیست و آن را «لازم و کمک‌کننده» می‌داند.

خامنه‌ای اضافه کرد: «اما این یک واقعیت است که انتقاد کردن از عمل کردن آسان‌تر است چرا که دیدن عیب‌های طرف مقابل راحت است اما درک دشواری‌ها و نگرانی‌های او، مشکل می‌باشد.»

خامنه‌ای گفت: «این حرف من، نباید مانع ادامه انتقادها شود اما متوجه باشیم که تیم هسته‌ای برخی از مسائلی را که مورد انتقاد است می‌داند اما بعضی ضرورت‌ها او را به برخی اقدامات می‌کشاند.»

خامنه‌ای، پیش از این از تیم مذاکره‌کننده اتمی ایران خواسته بود که با دعوت از افراد شاخص مخالف تفاهم لوزان حرف‌های آنان را نیز بشنوند.

او پیش از این نیز در روز اول فروردین سال جاری، از دولت و طرفدارانش خواسته بود که به کسانی که به گفته او «ابراز دغدغه و دلواپسی می‌کنند» اهانت نکنند.

عنوان «دلواپسان» در رسانه‌های حکومت اسلامی ایران، برای منتقدان مذاکرات درباره برنامه اتمی ایران که بیش‌تر آن‌ها نزدیک به جبهه پایداری هستند، به کار می‌رود.

محمدحسن ابوترابی فرد، نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی، روز یکشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۴، در یک برنامه تلویزیونی، گفت که در صورت «به نتیجه نرسیدن» مذاکرات با گروه ۱+۵ ایران به «تمامی ۱۹ هزار» سانتریفیوژ تأسیسات اتمی نطنز گاز تزریق خواهد کرد.

به گفته ابوترابی، درحال حاضر تنها به «۹ هزار سانتریفیوژ» در سایت اتمی نطنز گاز تزریق می‌شود. او اضافه کرد: «هم‌زمان ماشین‌های آی آر ۸ را که ۲۰ برابر آی آر یک فعالیت می‌کند نهائی خواهیم کرد و فعالیت‌ها را برای رسیدن به نقطه ۱۹۰ هزار سو ادامه خواهیم داد.»

پیش از این نیز حسن روحانی، رئیس جمهوری حکومت اسلامی ایران، روز سه‌شنبه ۹ تیرماه گفته بود که در صورتی که توافق احتمالی بین ایران و گروه ۱+۵ «زیر پا» گذاشته شود، ایران به روال قبلی باز خواهد گشت.

اما از همه مضحک‌تر سخنان شامگاه شنبه ۲۰ تیر ماه محسن رضائی علیه امریکا است. به گزارش خیرگزاری خبرآنلاین، ساعات پایان مذاکرات وین، شرایط را چنان پیچیده کرده که کسی تصویر دقیقی از سرنوشت مذاکرات ندارد. محسن رضائی که این روزها، بین پوشیدن کت و شلوار و لباس نظامی در رفت و آمد است به استودیوی گفت و گوی ویژه خبری آمد تا با امیر شجاعی، مجری سیاسی شبکه ۲ به تحلیل اوضاع بپردازد. سخنان او در بخشی از برنامه با ارتباط با وین و گفت و گو با یک تحلیل‌گر امریکائی قطع شد. رضائی در دقایقی از برنامه، امریکائی‌ها را تهدید به اسیر گرفتن سربازانش کرد و البته به آن‌ها توصیه کرد لبخندهای دکتر روحانی و ظریف با غنیمت بدانند تا سیلی ۱۰۰ هزار سانتریفیوژی نخورند.

محسن رضائی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با سخنان شدیدالحن امریکا و متحدانش را تهدید کرد که اگر در پای میز مذاکره مسائل را حل و فصل نکنند پشیمان خواهند شد. او گفت که استکبار جهانی باید سخنان مسؤولان کلیدی جمهوری اسلامی را بسیار جدی بگیرند و وقت‌شان را تلف نکنند. او که فرمانده اسبق سپاه پاسداران حکومت اسلامی است، گفت: «امریکا نیز بداند از لحاظ نظامی علیه ایران هیچ کاری نمی‌تواند بکند. من به عنوان یک سرباز و پاسدار انقلاب قول می‌دهم اگر امریکائی‌ها بخواهند به ایران چشم بد داشته باشند و به فکر حمله نظامی باشند مطمئن باشند ما در هفته اول حداقل ۱۰۰۰ امریکائی را اسیر می‌گیریم و آن موقع برای آزاد کردن هر یک از آن‌ها باید چند میلیارد دلار بدهند.»

این موضع محسن رضائی، همان موضع سران داعش و دیگر گروه‌های تروریستی اسلامی هم‌کیش حکومت اسلامی ایران است که برای آزادی گروگان‌ها، میلیون‌ها دالر اخاذی می‌کنند.

محسن رضائی که این روزها به دلیل حساسیت اوضاع و خطر بروز جنگ لباس نظامی به تن کرده است، ادعا کرد: «امریکا در بن‌بست گیر کرده است و مذاکره تنها راه نجات آن‌هاست و اگر وارد جنگ شوند در همان هفته اول به زانو در خواهند آمد.

لازم به ذکر است ستراتیژیست‌های پنتاگون ارزیابی کرده‌اند که اگر جنگی آغاز شود در کمتر از یک ماه قادر به شکست نیروهای ایران هستند!

او در برابر این سوال که «از صحبت‌های جان کری برمی‌آید آن‌ها مطالبات جدیدی را مطرح کردند تا با این تأخیر مواجه شده. این مطالبات چیست؟

جواب داد: روشن است امریکائی‌ها، بحث را از هسته‌ای روی مسایل راکتی برده‌اند. این کانال انحرافی است که طرح می‌کنند و می‌گویند ایران نباید راکت‌های بالستیک داشته باشد و از ۳۰۰ کیلومتر به بالا نباید راکت داشته باشیم. این کار خلع سلاح است. مگر می‌شود ما راکت نداشته باشیم. این کار شک برانگیز است و نشان می‌دهد آن‌ها نیت شومی در سر دارند. چون اگر ایران بیش از ۳۰۰ یا ۴۰۰ کیلومتر راکت نداشته باشد، معنی‌اش این است که آن‌ها قصد دارند در آینده جنگی را به ایران تحمیل کنند و ایران قدرت مقابله به مثل را در این جنگ نداشته باشد. لذا من فکر می‌کنم یکی از اشتباهات بزرگ امریکائی این است که علایم مشکوکی را به میز مذاکره منتقل می‌کنند و صحنه میز و بحث‌های تفاهم آمیز مذاکرات را سمتی می‌برند که تمامی مذاکرات را می‌تواند با خطر مواجه کند...

در همان زمان و در تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۰۶، در جمع‌بندی مقاله‌ای به نام «پرونده ائومی جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد»، نوشته بودم: «... چه باید کرد؟

گرایشات بورژوائی اپوزیسیون لیبرال، مذهبی و ناسیونالیست، که مدت‌ها برای رسیدن به «دمکراسی؟!» با تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران را انتظار می‌کشیدند اکنون با ارجاع پرونده ائومی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد شور و شوق‌شان زیاد شده است. این گرایشات که منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را در سیاست‌های امپریالیستی دنبال می‌کنند، طبیعی‌ست که چشم‌انداز و استراتژی‌شان در تضاد و در تقابل با چشم‌انداز و استراتژی جنبش‌های اجتماعی و آزادی‌خواه جامعه ایران و در راس همه طبقه کارگر باشد. این جریات از خیزش توده‌ای در جهت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی، وحشت دارند و به همین دلیل انقلاب را مترادف با خشونت معرفی می‌کنند. همین گرایشات علاوه بر کارنامه سیاهی که در همکاری با جمهوری اسلامی در سال‌های اوایل انقلاب ۵۷ ایران دارند، اخیراً نیز یک دوره هشت ساله مردم را تشویق می‌کردند به سیاست‌های فرقه‌های ۱۸ گانه «دوم خرداد» جمهوری اسلامی و فرم‌های قطره چکانی آن‌ها امیدوار باشند که عملاً به نفع و بقای حاکمیت جمهوری اسلامی بود. اکنون نیز چشم امید خود را به سیاست‌های شورای امنیت سازمان بسته‌اند.

در همان مقاله تأکید کرده بودم: «اگر دولت‌های به اصطلاح دمکرات غرب و سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی، واقعا علاقه‌مندند که جمهوری اسلامی از حاکمیت برکنار شود و آزادی و دمکراسی واقعی در ایران برقرار گردد تا به روند صلح و دمکراسی در خاورمیانه کمک شود، به جای تحریم اقتصادی و احتمالاً حمله نظامی به ایران، رژیم جمهوری اسلامی ایران را در سطح بین‌المللی بایکوت سیاسی کنند. یعنی سفارت‌خانه‌ها، مساجد و مراکز به اصطلاح «تجاری و فرهنگی» جمهوری اسلامی را تعطیل کنند، نمایندگان این رژیم را از سازمان ملل متحد، سازمان جهانی کار و دیگر جوامع بین‌المللی اخراج نمایند، از طریق رسانه‌های خود اخبار و اعتصاب و اعتراض و مبارزات کارگران، زنان، جوانان و دانش‌جویان، مردم انقلابی کردستان و... را انعکاس دهند تا مردم آزادی‌خواه و کارگران و

سوسیالیست‌های جهان، در همبستگی با مبارزات مردم آزادی‌خواه ایران، تجمعات اعتراضی، فرهنگی و کنفرانس‌هایی برای آینده ایران ترتیب دهند. در چنین شرایطی اکثریت مردم ایران و در پیشاپیش همه طبقه کارگر، مبارزه خود را با برخورداری از حمایت و پشتیبانی افکار عمومی بین‌المللی، در سطح سراسری و گسترده‌ای سازمان‌دهی می‌کنند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنوشت خود را به دست خویش رقم بزنند و حکومت آزاد، برابر و انسانی خود را تشکیل دهند. آن موقع ایران، به سنگر محکمی در روند صلح و دموکراسی و آزادی در خاورمیانه تبدیل خواهد شد. طبیعی‌ست که بسته شدن سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی، کمترین لطمه‌ای به کسانی که به ایران رفت و آمد می‌کنند وارد نمی‌سازد، چرا که در عرف و قوانین بین‌المللی و دیپلماتیک رسم بر این است که چنین وظایفی در هر کشوری بلافاصله به یک دفتر ویژه‌ای واگذار شود.

مسلم است که نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی و آزادی‌خواه داخل و خارج کشور، اولویت فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این دوره خود را به سازمان‌دهی تشکلیابی مستقل طبقه کارگر بر علیه هجوم سرمایه و رژیم حامی سرمایه اختصاص دهند تا از یک سو صف طبقاتی خود را محکم کنند و از سوی دیگر با تحمیل گام‌به‌گام مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود زمینه‌های تحولات سرنوشت‌ساز تاریخی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نفع اکثریت جامعه ایران، فراهم سازند. این راهی است که در مقابل ما قرار دارد.»

یک بحث دیگری هم که در این سال‌ها در رابطه با فعالیت‌های اتمی ایران مطرح شده، تأکید به مسأله «حق» هر کشوری از جمله ایران برای دستیابی به انرژی اتمی است. چنین بحثی علاوه بر توجیه سران و مقامات حکومت، از زبان برخی از سازمان‌ها و شخصیت‌های مخالفین آن نیز به گوش می‌رسید. پرسیدنی است که این چه حقی است که با اختصاص میلیاردها دالر بودجه به آن، حتی نگاهداری معمولی این نیروگاه‌ها نیز بسیار مشکل و خطرناک و به تخصص و دانش بالایی نیاز دارد. برای مثال انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل در شوروی سابق، چه خسارات و لطمات انسانی هولناکی به بار آورد. همچنین ضایعات انسانی و تخریب و ویرانگری هولناک و تکان‌دهنده اولین بمب اتمی که به دستور دولت ایالات متحده امریکا، بر روی مردم شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن انداخته شد، به عنوان یک فاجعه عظیم انسانی و قدرت تخریب و ویرانگری گسترده سلاح‌های کشتار جمعی اتمی در تاریخ ثبت شده است. بنابراین سیاست اصولی و انسانی این است که با صدای رسا فریاد بز نیم که نه تنها نیروگاه‌های اتمی موجود در سطح جهان باید برچیده شوند، همه سلاح‌های کشتار جمعی باید نابود گردند، بلکه هیچ کشوری از جمله حکومت اسلامی ایران نیز حق هیچ‌گونه فعالیت در این راستا را نداشته باشد. به علاوه ایران بر روی دریایی از انرژی طبیعی نفت و گاز خوابیده است و کمترین نیازی به انرژی اتمی ندارد. بنابراین روشن است که هدف جمهوری اسلامی، جز دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی چیز دیگری نبوده و نیست.

به این ترتیب، توجیهات ناسیونالیستی و بورژوایی برای دستیابی به سلاح‌های اتمی و دولت‌هایی که تلاش می‌کنند این سلاح‌ها را در انحصار خود داشته باشند و یا دولت‌هایی که مانند حکومت اسلامی ایران، نان روزانه مردم یک کشور را به بودجه‌های کلان میلیاردری فعالیت‌های هسته‌ای‌شان اختصاص می‌دهند، همگی در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی سرمایه‌داری جهانی است و هیچ نفعی برای کارگران و مردم محروم و تحت ستم و آزاده ندارد.

گفته می‌شود که فعالیت هسته‌ای حق طبیعی هر کشوری و از جمله حق طبیعی منافع «ملی» است، گویی که سلاح اتمی قرار است، سفره خالی کارگران و محرومان جامعه ایران را رنگین‌تر کند؛ دستاوردی برای آموزش و بهداشت و رفاه جامعه داشته باشد؛ محیط زیست و زندگی مردم سالم شود؛ از مرگ و میر کودکان و کارهای جانکاه کودکان کار جلوگیری گردد؛ به رشد تکنولوژی کارخانه‌های تولیدکننده مایحتاج مورد نیاز جامعه یاری رساند و...، که این چنین سینه چاک فعالیت‌های میلیتاریستی و اتمی را منافع و حق طبیعی ملی معرفی می‌کنند؟!

تکنولوژی و نیروگاه‌های اتومی، در بهترین حالت قرار است در صدی از برق يك کشور را تأمین کند، در عین حال بخش عمده آن برای تولید بمب‌های اتومی به کار گرفته می‌شود، محیط زیست و دریاها و جانداران دریایی را با خطر نابودی مواجه می‌سازد و کسانی را که در نزدیکی نیروگاه‌های اتومی زندگی می‌کنند، به بیماری‌های ظاهراً ناشناخته مبتلا سازد. در صورت بروز حادثه‌ای برای نیروگاه اتومی مانند چرنوبیل، رادیوآکتیو در هوا پخش می‌شود و جان صدها هزار انسان را با خطر مرگ مواجه می‌سازد. احتمالاً در صورت بروز جنگ، با استفاده از این سلاح مخوف، بشریت باز هم شاهد فجایعی چون ناکازاکی و هیروشیما خواهد بود. حتی فرض کنیم هیچ‌کدام از این حوادث روی ندهد و به اصطلاح نیروگاه‌های اتومی در راستای اهداف «صلح‌جویانه» کار کنند، فقط نگهداری زباله‌های اتومی، مسأله بسیار خطرناکی است و دفن آن، نسل‌های آینده را با بیماری‌های تازه و خطرات تازه روبه‌رو خواهد کرد. بنابراین هیچ توجیهی در راستای فعالیت‌های اتومی جمهوری اسلامی و یا هر کشور دیگر در جهان، نباید از سوی افکار عمومی پذیرفته شود. هرگونه تلاش در این راستا را باید شدیداً محکوم کرد و جلو آن را گرفت. فراتر از آن باید خواهان نابودی و از بین بردن همه سلاح‌های اتومی در سطح جهان و بستن نیروگاه‌های اتومی شد. این خواست نه تنها منافع مردم ایران، بلکه منافع مردم جهان را به دنبال دارد.

تاکنون تولید و فروش سلاح‌های اتومی و تلاش برای دستیابی به انرژی اتومی، زندگی ساکنان کره زمین را به خطر انداخته است، اما از آنجایی که سود سرشاری به جیب دولت‌ها و شرکت‌های سازنده آن‌ها سرازیر می‌کند، همچنان به تولید و فروش آن ادامه می‌دهند. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف ادعاهای همه کسانی که در تولید و فروش نیروگاه‌های اتومی ذی‌نفع هستند، بشر برای زیست و زندگی هیچ نیازی به این نیروگاه‌های هولناک ندارد. سیستم سرمایه‌داری در طول تاریخ، منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر زیست و زندگی سالم و انسانی ترجیح داده است. بنابراین هر جریان و انسان آزاده‌ای برای دفاع از جان انسان‌ها و مواظبت از محیط زیست، باید خواهان برچیده شدن کلیه نیروگاه‌های اتومی در سراسر جهان و نابودی کلیه سلاح‌های کشتار جمعی و جهانی عاری از سلاح شد.

ایران در سی و شش سال گذشته، برای راه‌اندازی نیروگاه‌های اتومی، توسط روسی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و... میلیاردها دالر فقط خرج نیروگاه اتومی بوشهر کرده است که هنوز هم به بهره‌برداری نرسیده است. در حالی که اگر این مبالغ صرف مثلاً تأسیس کارخانه‌های صنعتی مدرن و پیشرفته و یا مدرنیزه ساختن ابزارهای تولیدی و ایمنی صنایع می‌شد، از يك سو صدها هزار کارگر در این کارخانه‌ها اشتغال پیدا می‌کردند و بیکاری در این ابعاد میلیونی پیش نمی‌آمد و از سوی دیگر، لوازم مورد نیاز جامعه با قیمت ارزان و مناسبی به دست مصرف‌کنندگان می‌رسید. بنابراین، نیاز به تحلیل و تفسیرهای پیچیده‌ای نیست تا تشخیص داده شود تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی در دو حکومت شاهنشاهی و اسلامی، غیر از ضرر و زیان مالی و جانی سودی برای جامعه نداشته است. اکنون نیز رقابت و کشمکش در این عرصه، جامعه ایران را دچار انواع و اقسام فلاکت‌ها و آسیب‌های اجتماعی کرده است که بیشترین قربانیان آن مزدبگیران و مردم محروم و فقیر هستند. ما نتایج چنین فجایع انسانی را در بیش از يك دهه محاصره اقتصادی عراق شاهد بودیم. علاوه بر این ادعا می‌شود هر کشوری که سلاح‌های اتومی داشته باشد، تضمین‌کننده امنیت آن کشور است، در حالی که چنین ادعایی صحت ندارد، زیرا آرایش اقتصادی، سیاسی، نظامی و بلوک‌بندی‌های دنیای امروزی طوری است که اتفاقاً کشوری که دست از سیاست‌های میلیتاریستی و کشمکش‌های جهانی و منطقه‌ای بردارد و هزینه‌های سنگین میلیتاریستی، به ویژه تولید سلاح‌های اتومی را صرف رفاه اجتماعی و پیشرفت علمی و تکنولوژیک مثبت نماید، ثبات و امنیت آن نیز بیش‌تر است.

باید هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح‌های اتومی، تولید و فروش آن به ویژه تلاش‌های حکومت اسلامی، برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی را صریحاً محکوم کرد؛ خواهان نابودی کلیه سلاح‌های کشتار جمعی در جهان شد

و خواهان اختصاص بودجه‌های میلیاردهای سلاح‌های کشتار جمعی، به مسایل انسانی و اجتماعی در ایران و جهان گردید. بدون شك ساختن جهانی بدون سلاح، به ویژه سلاح‌های اتمی، بدون جنگ و کشتار، بدون تبعیض و بدون استثمار و ...، با تلاش و مبارزه متشکل طبقاتی پیگیر و جدی عملی و امکان‌پذیر است!

همچنین در مطلب دیگری که قبل از تحریم اقتصادی ایران، تحت عنوان «احتمال تحریم اقتصادی ایران و وظایف ما!» که در تاریخ هشتم سپتامبر ۲۰۰۶، در یادداشت هفته سایت «دیدگاه» نوشته بودم به این مسأله پرداخته بودم که «هر چند که هنوز زود است از احتمال حمله نظامی سخن به میان بیاوریم تحریم اقتصادی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در هر صورت اگر بدترین احتمالات، یعنی تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در نظر بگیریم، طبیعی است که طبقه کارگر و همه جنبش‌های حق‌طلب در داخل کشور و نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور سیاست‌های خود را با شرایط موجود منطبق سازند و نسبت به آن وظایفی را عهده‌دار شوند. در مجموع این نیروها را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد که هر کدام از این بخش‌ها نیز به بخش‌های مختلف تقسیم می‌شود. در این جا فقط به سه بخش کلی اشاره می‌کنیم.

- نیروهائی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و مخالف تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران هستند. زیرا بر خلاف تبلیغ دولت امریکا و متحدان ایرانی‌اش، امریکا اگر تا دیروز سیاست‌های خود با کودتاها و میلیتاریسم بومی پیش می‌برد، اکنون مستقیماً کشورگشائی می‌کند و با راه انداختن جنگ و کشتار کشورها را به اشغال نظامی خود در می‌آورد. وقایع هولناک افغانستان و عراق در مقابل جامعه جهانی و جامعه ایران قرار دارد. بنابراین، پرواضح است که لشکرکشی امریکا و طرح خارومیانه بزرگ کم‌ترین ربطی به روند دموکراسی و آزادی و رفاه در این منطقه بحرانی ندارد، بلکه برعکس همه چیز تحت تأثیر جنگ قرار می‌گیرد و تار و پود جامعه را می‌سوزاند.

- نیروهائی که طرفدار محاصره اقتصادی و حمله امریکا هستند و افق و چشم‌انداز خود را به سیاست‌های امریکا گره می‌زنند.

- مردمی که نظاره‌گر هستند و نسبت به وقایع عکس‌العمل چندان از خود نشان نمی‌دهند.

اما امید جامعه بیشتر به نیروهای بخش اول این تقسیم‌بندی، یعنی نیروهای کارگری و چپ و آزادی‌خواه است. این نیروها به دلیل وظایف سنگین طبقاتی و اجتماعی، باید در شرایط موجود فعال‌تر از گذشته باشند. در چنین روندی است که بخش سوم، یعنی مردمی که نظاره‌گر هستند، به بطن صحنه سیاسی کشیده می‌شوند...

بدین ترتیب، کلیه نیروهای کارگری و کمونیستی و آزادی‌خواه و برابری‌طلب، چه در داخل و چه در خارج کشور هماهنگ و هم‌جهت با یکدیگر بر علیه تحریم اقتصادی و جنگ احتمالی و در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی، نه تنها موضع فعالی به عهده می‌گیرند، بلکه طرح‌ها و آلت‌رناتیوهای سیاسی و اجتماعی خود را در سطح وسیعی به گوش جامعه می‌رسانند.»

از نگاه کارشناسان نیز حکومت اسلامی ایران، چاره‌ای جز پذیرش توافق‌نامه ژنو نداشته است. چرا که تحریم‌های اقتصادی ضربه شدیدی به اقتصاد ایران وارد کرده است. اگر چه اندازه‌گیری میزان خسارت ناشی از تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران به صورت دقیق امکان‌پذیر نیست، اما برآوردهای سازمان‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران حداقل سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از محل تحریم‌ها زیان دیده است.

صادرات نفت ایران در سال‌های اخیر، به کمتر از یک میلیون بشکه در روز رسیده است. درآمد صادرات نفت ایران، از ۱۱۰ میلیارد دلار در سال به کمتر از ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ کاهش یافت. کاهش صادرات نفت، به کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز و عقب‌ماندگی ایران در میدان‌های نفتی مشترک انجامیده است. معاون وزیر نفت زیان ناشی از این عقب‌ماندگی را ۳۰ میلیارد دلار در سال اعلام کرده است. همچنین به گفته رکن‌الدین جوادی، صنعت نفت ایران برای حفظ شرایط موجود به ۳۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در سال نیاز دارد.

همچنین تحریم‌های بین‌المللی اقتصاد ایران را با کسری نقدینگی روبه‌رو کرده است. به طوری که بر اساس برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، ۶۷ درصد واحدهای اقتصادی ایران در سه سال گذشته با ظرفیت ۳۰ درصدی فعالیت کرده‌اند. علاوه بر این نرخ تورم نیز در ایران رشد کرده و هم‌زمان با آن نرخ رشد اقتصادی منفی شده است. سرمایه‌گذاران بین‌المللی ایران را ترک کرده‌اند و تجارت خارجی ایران کاهش یافته است.

حکومت اسلامی ایران، تا به حال جزئیاتی از هزینه برنامه اتومی خود منتشر نکرده است. اما احمد شیرزاد نماینده اصفهان در مجلس ششم، به شدت از غیرشفاف بودن برنامه اتومی ایران انتقاد کرده است. او هشت سال پیش در یک سخنرانی گفت: «هیچ‌کدام از مجالس اول تا ششم که ما بودیم در جریان این پروژه‌ها نبودند و هیچ نوع شفافیتی وجود نداشت، آن وقت چگونه انتظار دارید در یک فرایند عقلانیت وجود داشته باشد. مجلس ششم خیلی تحقیق کرد و در نهایت به این‌جا رسیدیم که در مورد پروژه‌های هسته‌ای ایران تنها یک گزارش تخصصی در سازمان انرژی اتومی ایران وجود دارد که آن هم گزارش یک کارمند لیسانسیه این سازمان است که در این گزارش تولید برق هسته‌ای توصیه می‌شود، در حالی که در تمام ادله‌هایی که در این گزارش آمده، دست‌کاری شده است.»

حسن غفوری فرد عضو کمیته تحقیق از نیروگاه اتومی بوشهر نیز در سال ۹۰ گفته بود: «ساخت یک نیروگاه از صفر مقرون به صرفه‌تر از تکمیل نیروگاه اتومی بوشهر است.»

بنا بر اعلام مسؤولان جمهوری اسلامی، نیروگاه بوشهر با هشت سال تاخیر در سال ۲۰۰۸ به بهره‌برداری رسید، این نیروگاه دو سال پیش به صورت رسمی به شبکه برق ایران پیوست تا تاخیز در بهره‌برداری از آن به یازده سال برسد. سازمان ملل متحد خسارت مستقیم وارد شده به ایران در جنگ هشت ساله را ۹۷ میلیارد دلار برآورد کرده است. حکومت اسلامی ایران، اعلام کرده که هشت سال جنگ با عراق را تنها با ۵۲ میلیارد دلار اداره کرده، اما برآوردهای کارشناسی هزینه تحمیل شده به ایران برای جنگ را بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار نشان می‌دهد. برآوردهای سازمان‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که ایران حداقل سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از محل تحریم‌ها زیان دیده است.

بر اساس گزارش نهادهای بین‌المللی، ایران ۹۴ تا ۱۱۲ میلیارد دلار برای هدایت جنگ و ۱۱ میلیارد دلار برای واردات نظامی هزینه کرد. هزینه غیرمستقیم ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و تولیدات کشاورزی برای ایران نیز ۶۲۷ میلیارد دلار برآورد شده است.

به اقرار یکی از نمایندگان مجلس در سال ۱۳۹۲، ایران در هشت سال گذشته توانسته است «دو تن اورانیوم غنی‌سازی کند و چنانچه کل ظرفیت مرکز نطنز به بهره‌برداری برسد، پس از هفت سال تنها پاسخگوی نیاز یک سال نیروگاه بوشهر خواهد بود.»

در چنین شرایطی، مردم ایران به خصوص طبقه کارگر، نباید به سیاست‌ها و تبلیغات حکومت اسلامی متوهم شوند. چرا که بی‌تردید هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ سیاسی، نه تنها بهبود چندان در جامعه ایجاد نخواهد کرد، بلکه به احتمال زیاد فشارهای اقتصادی و سرکوب‌های سیاسی هم افزایش خواهد یافت.

جنبش کارگری کمونیستی و همه نیروهای آزادی‌خواه، که در این سی و شش سال در جهت سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی مبارزه کرده‌اند و در این راه نیز قربانیان زیادی داده‌اند، با هرگونه تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران شدیداً مخالف بودند، زیرا این سیاست را در چند سال گذشته در همسایگی خود، یعنی در افغانستان و عراق از نزدیک شاهد بوده‌اند، آگاهند که «دمکراسی» اهدائی امریکا و متحدانش به مردم رنج‌دیده و محروم این دو کشور، جز رنج و درد و محرومیت اقتصادی و اختناق سیاسی و قتل و غارت و جنایت و برپایی جمهوری‌های اسلامی دیگر که در آن زنان، کارگران و مردم آزادی‌خواه و حق‌طلب از هیچ-

گونه حقوق فردی و اجتماعی و آزادی برخوردار نیستند، چیز دیگری نصیبشان نشده است. حتی قوانین اساسی این کشورهای جنگ‌زده و فلاکت‌زده متأثر از قوانین ارتجاعی اسلامی است. مضاف بر این که در بیش از یک دهه محاصره اقتصادی عراق، صدها هزار انسان، به ویژه کودکان به دلیل کمبود دارو و درمان و بهداشت و مواد غذایی کافی جان خود را از دست دادند، در حالی که صدام حسین و حکومتش همچنان قدر قدرتی می‌کرد. پس از اشغال نظامی این کشور نیز جنگ و خشونت نیروهای اشغالگر از یک سو و جریان‌ات مرجع ملی و مذهبی از سوی دیگر، هر روز قربانیان بی‌شماری از مردم بی‌دفاع و زنان و کارگران و مردم محروم می‌گیرند. بنابراین، اگر طرح مشابه طرح عراق، اکنون در ایران نیز پیاده شود شاید ابعاد تخریب و ویرانگری و کشتار آن به مراتب بیشتر و گسترده‌تر از عراق خواهد بود. اما تفاوت بزرگی که بین عراق و افغانستان و ایران وجود دارد، این است که جامعه ایران، از یک جنبش قوی و اجتماعی کارگری سوسیالیستی برخوردار است که وجود این جنبش، هم طرح‌های رژیم جمهوری اسلامی و هم آمریکا و متحدانش و هم گرایش‌های رنگارنگ بورژوازی اپوزیسیون ایرانی را نگران کرده و مانع اصلی پیشرفت طرح‌های شوم آن‌ها است.

اساساً دود محاصره اقتصادی ایران، نه به چشم حکومت اسلامی، بلکه به چشم توده‌های مردم رفته است. در این سال‌ها، نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، به بهانه «موقعیت جنگی» و «تأمین امنیت کشور»، هرگونه اعتراض توده‌ای را به وحشی‌تر شکلی سرکوب کرده‌اند. در حال حاضر دستمزدهای بسیار ناچیز کارگران، حتا به موقع پرداخت نمی‌گردد، گرانی و تورم کمر شکن شده است. قیمت کالاهای ضروری مردم، روز بروز افزایش یافت و زیست و زندگی مردم بیش از پیش در تنگنا قرار گرفته است.

مسئله، حکومت اسلامی ایران در کلیت خود و با همه جناح‌هایش ارتجاعی و غیرانسانی است، بنابراین، نباید توهم به این جناح و یا آن جناح را در جامعه پخش کرد. همچنین باید با صراحت به جدائی دین از دولت و آموزش و پرورش، لغو هرگونه شکنجه روحی و جسمی و اعدام، برابری زن و مرد در همه شئون اجتماعی، لغو کار کودکان و تأمین زندگی آنان و خانواده‌هایشان، به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم تحت ستم و عدم برتری هیچ ملتی بر ملت دیگر، به طور کلی بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و عقیده باید حق و حقوق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی شهروندان به طور یکسان و برابر به رسمیت شناخته شود. حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی تضمین گردد. باید این مطالبات حداقل را آن قدر تکرار کنیم و پافشاری نماییم تا به مسأله روز افکار عمومی جامعه‌مان تبدیل شود!

در هر صورت اکنون حکومت اسلامی ایران با گروه ۱+۵ و در راس همه آمریکا به توافق رسیده‌اند. به همین دلیل قرار است تحریم‌ها اقتصادی ایران لغو شوند. این حرکت جدا از بده و بستان‌های نهان و آشکار حکومت سرمایه‌داری اسلامی ایران با حکومت‌های قدرتمند سرمایه‌داری جهان، دست‌کم فضای تبلیغات جنگ روانی و کمی هم نگرانی مردم را کم می‌کند خود گام مثبتی است. به علاوه من هم جزو کسانی بودم که در این سال‌ها مخالف تحریم اقتصادی ایران و هر کشور دیگری بودم. چرا که چنین سیاستی قبل از این که ضربه‌ای به حاکمیت بزند به ضرر مردم تمام می‌شود. بیکاری و گرانی و تورم افزایش مینماید به ضرر اکثریت مردم است. آلت‌رناتیو امثال من بایکوت سیاسی حکومت اسلامی و جلوگیری از فروش سلاح و دستگاه‌های کنترل جامعه و... بود و هنوز هم هست. این خواست و انتظار ما نه از حکومت‌های سرمایه‌داری، بلکه از طبقه کارگر و هم نیروهای سوسیالیست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو و ضدجنگ جوامع غربی است. یعنی آن‌ها دولت‌ها را تحت فشار بگذارند تا در زمینه نظامی و امنیتی هیچ‌گونه همکاری با حکومت اسلامی نداشته باشند و این حکومت را به دلیل جنایات بی‌شمار علیه بشریت در بایکوت سیاسی قرار دهند.

سه‌شنبه بیست و سوم تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۴ - چهاردهم جولای ۲۰۱۵

*لینک مطالبی که از سال ۲۰۰۶، درباره فعالیت‌های هسته‌ای حکومت اسلامی و تحریم اقتصادی ایران و مذاکرات ۱+۵ نوشته‌ام و از جمله در سایت «دیدگاه» منتشر شده‌اند، به شرح زیر هستند:

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=27813>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=27725>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=26717>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=24857>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=22044>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=20824>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=17500>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=17017>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=16669>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=14716>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=12504>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=11240>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=9922>

<http://www.didgah.net/maghalehMatnKamel.php?id=8432>